

پدیده جهانی شدن،

چالش دین و رسالت حوزه‌های علمیه

نگارنده: مهندس باقر کرد

نماینده مردم زاهدان

در مجلس شورای اسلامی

مراتب آسانتر از انجام معامله با همسایه‌اش می‌باشد. در بعد دیگر انسانها از سراسر دنیا به راحتی با هم به بحث و گفتگو می‌نشینند، با هم جلسه تشکیل می‌دهند، تبادل نظر و تبادل اطلاعات می‌کنند، در حالیکه هر یک در گوشه‌ای از جهان در خانه و محل کار خود نشسته‌اند؛ کالاهای فرهنگی، کتب، فیلم و غیره را در اینترنت قرار می‌دهند؛ این کالاها در سراسر دنیا به راحتی قابل دسترسی و بهره‌برداری هستند، پس معلوم می‌شود که دنیا با تمام گستردگی و پهنایش در حد یک دهکده از نظر ارتباطی کوچک شده است. کالاهای تبلیغاتی، چاپ و نشر روزنامه‌ها، بصورت یکسان و همزمان در نقاط مختلف دنیا چاپ و یا تولید می‌شوند، و هزاران مثال دیگر از این قبیل؛ لذا دنیای جدیدی با قانون‌مندی جدیدی بوجود آمده است که در آن حقوق بشر تغییر می‌کند، علوم اجتماعی تغییر می‌کند، شکل تجارت تغییر می‌کند، بهره‌گیری از تولیدات فرهنگی گوناگون آسان می‌شود و هزاران تغییر دیگر؛ که به این پدیده دنیای روبه جهانی شدن گفته می‌شود. همانطوریکه گفته شد این پدیده یک پدیده یک بعدی نیست بلکه در تمام شئون و نیازمندیهای انسان دخیل است. یعنی دنیایی با حجم وسیع ارتباطات بدون مانعی به نام مرزهای جغرافیایی. اگر به سابقه تاریخی جهان برگردیم می‌بینیم که در طول تاریخ در سه مرحله ارتباطات جهان از حیطه منطقه‌ای خارج شد و به نحوی دنیا یا حداقل بخشی از دنیا در نوعی ارتباط فرامنطقه‌ای قرار گرفت و این سه مرحله عبارتند از:

امروزه کمتر متن علمی، فرهنگی، دینی و یا سیاسی را می‌توان یافت که در آن «پدیده جهانی شدن» یا اصطلاح جهانی شدن، به کار برده نشود. به همین دلیل این پدیده به یکی از مباحث مهم و جدی جهان در حوزه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاست تبدیل شده است. در این نوشتار سعی خواهد شد به اختصار به تعریف مفهوم این پدیده پرداخته شود. سپس مختصات کلیدی آن معرفی گردد. و در ادامه تأثیر آن بر دین‌باوری مورد بررسی قرار گیرد.

چالش و رودررویی با این پدیده در حوزه فرهنگ و دین یک واقعیت غیر قابل انکار است. به همین دلیل در خاتمه، رسالت و وظایف حوزه‌های علمیه و جهت‌گیری آنها در این ارتباط مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت برای حفاظت از حوزه دین و دینداری پیشنهاداتی ارائه خواهد شد.

با پیشرفت و انفجار وسایل ارتباط جمعی از قبیل ماهواره‌ها، اینترنت، تلفن، موبایل، تلکس، فکس و شبکه‌های ارتباطی دیگر، تحول عظیمی در عرصه‌های مختلف اقتصاد، فرهنگ و سیاست بوجود آمده است که با گذشته فرق دارد. بطوریکه انسانها در سراسر دنیا بدون اخذ مجوز از حکومت‌هایشان می‌توانند با هم ارتباط داشته باشند. قطعاً همه پدیده تجارت الکترونیک را شنیده‌ایم، یعنی هر فرد بدون آنکه از خانه خود خارج شود، با بهره‌گیری از یک رایانه و یک خط ارتباطی با هر کس یا هر شرکتی در هر کجای دنیا وارد معامله می‌شود، و این معامله به

۱- دنیای توام با آغاز تجارت دریایی؛ در این مرحله از زندگی و تجربه و تاریخ بشر، اولین شبکه ارتباطی دریایی بین نقاط مختلف کره زمین برقرار شد که پس از کشف نقاط ناشناخته دنیا، مهمترین هدف آن تجارت از طریق دریا بود.

۲- آغاز قرن هیجدهم میلادی و انقلاب صنعتی، توسعه صنعت و ارتباطات و مخابرات، تجارت و تبادل فرهنگی که حاصل آن ارتباط شکل یافته در قرن بیستم بود.

۳- آغاز پدیده جهانی شدن در پایان قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم؛ یعنی آنچه در عصر حاضر در حال شکل گیری است. که مختصات خود را دارد و بحث این نوشتار است، و از چهار وجه، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مورد بررسی قرار می گیرد:

نخست: از نظر انحصار قدرت نظامی

الف: در یک افق ۱۰ الی ۱۵ ساله مطابق آنچه از روند فعلی جهان بر می آید، ایالات متحده آمریکا با قدرت نظامی در دنیای تک قطبی بعد از جنگ سرد و فروپاشی شوروی، تنها قدرت بلامنزاع است. و برای حفظ قدرت و منافع خود توان عملیات نظامی در هر نقطه‌ای از جهان را دارا خواهد بود. و برای توجیه اعمال نظامی خود از دو واژه «حقوق بشر» و «مبارزه با تروریسم» استفاده می کند. در حال حاضر با بهره گیری از هسمین دو واژه، عملیات نظامی خود را در کشورهای مثل افغانستان، عراق، خاورمیانه و بعضی از کشورهای آمریکای لاتین توجیه می نماید. در این گیر و دار آمریکا می کوشد که بعنوان تنها قطب جهان وجود خود را بر جهانیان تحمیل کند.

ب: از نظر قدرت نظامی در جهان پس از آمریکا، اتحادیه اروپا قرار دارد و در خارج از مرزهای اروپا در وسعت منطقه محدودتری می تواند از منافع خود در جهان دفاع کند، اما این اتحادیه برای انجام هرگونه عملیات نظامی در دنیا حداقل به نظر مساعد آمریکا نیاز دارد.

ج: از نظر نظامی بعد از اتحادیه اروپا چین و روسیه دو کشوری هستند که در مقام سوم دارای قدرت نظامی هستند و می توانند در حوزه منطقه‌ای محدود از منافع خود با بهره گیری از توان نظامی دفاع کنند، اما آنها هم برای انجام عملیات نظامی فراتر از مرزهای خود به موافقت آمریکا احتیاج دارند.

د: متأسفانه علیرغم آنکه بخش زیادی از انرژی جهان در اختیار مجموعه کشورهای اسلامی است، ولی در این افق هنوز هم کشورهای اسلامی بدلیل تضادهای درونی و رژیم‌های ناپایدار و عدم برخورداری از تکنولوژی بومی پیشرفته، فاقد اثر راهبردی بوده و مغلوب هستند.

با این توضیح مختصر از رده بندی نظامی و درجه اهمیت هر یک از قدرتهای موجود در دنیای روبه جهانی شدن، به سایر وجه‌های آن می پردازیم.

دوم: مختصات اجتماعی

در دنیای جدید یا دنیای رو به جهانی شدن نظام بین کشورها به شدت تحت تأثیر شبکه‌های جهانی خواهد بود. اینترنت، ماهواره و سایر ابزارهای مدرن ارتباطی سراسری موجب خواهند شد که مرزهای جغرافیایی کشورها به روی ساکنین آنها باز و همانطوریکه گفته شد ارتباط انسانها در سراسر دنیا بدون اجازه از حکومت‌ها برقرار شود.

در بعد اجتماعی مشخصه دیگری هم وجود دارد، و آن سازمان دهی در سطح جهان است که با بهره گیری از سیستم‌های ارتباطی موجود به شدت گسترش می یابد. تصمیم انسانها در این سوی دنیا فوری و بلافاصله شرایط زندگی را برای انسانهایی در آن سوی دنیا تغییر می دهد، و آن را تحت تأثیر جدی قرار می دهد. شبکه‌های موجود فرهنگی، اقتصادی و نظامی تا حدی اثر گذار هستند که گاهی حتی حرکت دولت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می دهند. وجود شبکه نظامی القاعده و یا پیمانهای نظامی ای مثل ناتو، و یا شبکه‌های اقتصادی که به نامهای مختلف در جهان کار

✓ ایالات
متحده آمریکا با
قدرت نظامی در
دنیای تک قطبی
بعد از جنگ سرد
و فروپاشی
شوروی، تنها
قدرت بلامنزاع
است. و برای
حفظ قدرت و
منافع خود توان
عملیات نظامی
در هر نقطه‌ای از
جهان را دارا
خواهد بود. و
برای توجیه
اعمال نظامی
خود از دو واژه
«حقوق بشر» و
«مبارزه با
تروریسم»
استفاده می کند.

می‌کنند، در این مورد مثالهای آشکاری هستند. مشخصه دیگر دنیای رو به جهانی شدن در زمینه اجتماعی، رشد همگرایی منطقه‌ای است که هم در عرصه اقتصادی، هم در زمینه فرهنگی، و هم در صنعت و تجارت، این همگرایی‌ها بوجود می‌آیند؛ یعنی مجموعه‌ای از کشورها در هر منطقه بدلیل داشتن تعلقات مشترک برای بقا و دفاع از منافع گوناگون خود با هم پیمانهای منطقه‌ای می‌بندند، قراردادهای کشورهای مشترک المنافع، و قراردادهای اقتصادی در دو سال گذشته در کشورهای آسیای دور، نشان دهنده رشد این همگرایی با سرعت بیشتری در آینده خواهد بود.

مشکل شده، و آثار زیان‌بار فرهنگی و اقتصادی را برای کشورهای ضعیف یا کشورهای «قلمرو» به همراه خواهد داشت.

گر چه تاکنون تکنولوژی پادوی سیاست بوده است، ولی باید گفت، در پدیده جهانی شدن با انفجار تکنولوژی ارتباطات برای اولین بار در دنیا، سیاست دنباله رو و تابع این تکنولوژی خواهد بود پدیده غالب جهت‌گیری تکنولوژی ارتباطات **Information Technology** خواهد بود. که بصورت لحظه‌ای در حال تغییر است و گردش سیاسی جهان را تابع خود نموده است.

چهارم: فرهنگ

اما مسئله اصلی و مهم در دنیای رو به جهانی شدن که برای جوامع اسلامی مخصوصاً جامعه ما از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار است، مسئله فرهنگ است. بهره‌گیری از ابزارهای مدرن ارتباطی حوزه جغرافیای فرهنگی را در نور دیده است. کالاهای فرهنگی گوناگون بدون زحمت و مانع از مرزها عبور می‌کنند و حوزه‌های جدید فرهنگی در سراسر دنیا بدون رعایت وابستگی و ملیت و مرزهای جغرافیایی تشکیل می‌شوند. در اینجا است که دین و دینداری بعنوان بستر اصلی فرهنگ ما مسلمانان به چالش جدی طلبیده می‌شود، که بحث اصلی مادر این جلسه است. در حوزه سیاست و حکومت خصیصه جهانی شدن میل به حکومت‌های دمکراتیک دارد. اما در زمینه و حوزه فرهنگ دینی و آن شرایطی که برای جهانی شدن بر شمرده شد زمینه لازم را برای توسعه فرهنگ سکولار و لائیک مهیا و بستر سازی می‌کند. بنابراین این حوزه دینی ما از تهاجم سکولار در امان نخواهد بود، و این تهاجم با توجه به جذابیت هایش که ناشی از شرایط جهانی است اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. و اگر با منطق و علم آماده دفاع نباشیم قطعاً مغلوب آن هستیم؛ و تازمانی که به خود آیم خسارت غیر قابل جبرانی را متحمل شده‌ایم، بنابراین فرصت‌ها را از دست ندهیم

سوم: در بُعد سیاست

در بعد سیاست نیز در دنیای رو به جهانی شدن فرهنگ سیاسی جهان تغییر می‌کند. حقوق بین‌الملل در بسیاری از موارد تغییر نموده و اصلاح می‌شود. حقوق بشر بعنوان پدیده‌ای که قبلاً جهانی شده است، از نو تعریف می‌شود، و دیگر مثل سابق تنها عنصر متحصر بفرهنگ جهانی نیست. سیاست خارجی کشورها دیگر محرمانه باقی نمی‌ماند، سازمان‌ها و شبکه‌ها فراتر از مرزها عمل می‌کنند، آن‌گونه که دانشمندان علوم اجتماعی زندگی بشر را زندگی در اتاق شیشه‌ای می‌دانند که هیچ چیز آن پنهان باقی نمی‌ماند، ضمن آنکه ارتباطات، شبکه‌ها، سازمانها همه و همه سرعت افزایش می‌یابند.

در بعد سلطه سیاسی: تغییر الگو نیز وجود دارد، به این مفهوم که سلطه کشورهای قوی و ثروتمند بر کشورهای ضعیف از حالت آشکار به پنهان تغییر می‌کند. در قرن نوزدهم و بیستم شکل اصلی سلطه به شکل نظامی و آشکار بود، اما در دنیای رو به جهانی شدن شکل آن از نظامی به فرهنگی، اقتصادی و هنری و... تغییر می‌کند، و سرعت تسلط کشورهای ثروتمند بر کشورهای ضعیف نیز بسیار پرشتاب است. و با سلطه پنهان، درک ابعاد آن در جوامع مغلوب بسیار

✓ حوزه
دینی ما از
تهاجم سکولار
در امان نخواهد
بود، و این
تهاجم با توجه
به جذابیت
هایش که ناشی
از شرایط جهانی
است
اجتناب‌ناپذیر
می‌باشد. و اگر با
منطق و علم
آماده دفاع
نباشیم قطعاً
مغلوب آن
هستیم.

زیرا تکرار نمی شوند.

حال سؤال اصلی که باید متفکران و متولیان دینی به آن توجه کنند و برای آن پاسخی درست بیابند آن است که وظیفه ما در قبال این تحول و تهاجم چیست؟ مرزهای دین را چگونه پاسداری کنیم، و با کدام محتوا؟

بدون تردید دین مبین اسلام از غنای کافی برای پاسخگویی نیازمندیهای بشر الیوم الدین برخوردار است، این اعتقاد و ایمان ماست. در دوره علم‌گرایی بسیاری از پدیده‌های علمی و تخصصی با آیات کلام خدا توجیه و تفسیر می شدند. در علوم طبیعی و علوم زیست‌شناسی هم همین طور؛ عرفان، اخلاق، کلام، فلسفه و منطق نیز از بنیادهای بی‌شماری در کلام وحی برخوردار هستند، پس بنیادهای علمی و عقلی بعنوان خمیر مایه مقاومت فرهنگی در دین ما وجود دارد و در اختیار ماست. ابزارهای انتقال پیام گرچه بدست ما ساخته نمی شوند اما برای ما قابل دسترسی هستند. بنابراین از اختلافات سلیقه‌ای و جزئی باید با سعه صدر پرهیز کنیم و تلاش کنیم که از توانایی لازم برای مبارزه و دفاع از ارزشهای فرهنگی اسلام در مقابل سکولاریزم، و ایجاد تحول راهبردی در دین‌باوری برخوردار شویم. تا توانمندی لازم برای تهاجم ایدئولوژیکی را داشته باشیم.

حوزه‌های علمیه بعنوان بخش مهمی از متولیان دین، باید حداقل در شرایط امروزی از دو ویژگی مهم برخوردار باشند:

۱- توسعه پژوهش بعنوان مبنایی برای تولید علم و تنظیم برنامه درسی عادی طلاب بر اساس پژوهش‌مداری.

۲- افزایش دانش تخصصی، بالاتر از حدی که امروز طلاب در آن حد فارغ‌التحصیل می شوند در رشته‌های مختلف و نیز تأمین تخصص در کلام، حدیث، فلسفه و فقه و سایر علوم اسلامی با افزایش سطح علوم دینی و غنا بخشیدن محتوایی به آن، که این امر ممکن نیست مگر از طریق ایجاد دوره‌های

تخصصی و گسترش پژوهش در حوزه‌های علمیه؛ و این دو، عاملی خواهند بود که زمینه رشد و تعالی باورهای دینی را در سطح جامعه و طلاب و دانشگاهیان افزایش خواهد داد.

حاصل کلام آنکه آموزش دین باید در یک تعامل چند بعدی در حوزه‌های علمیه و دانشگاههای اسلامی به بسترسازی بپردازد. دین باوری باید برای سلامت زندگی و سعادت بشر بعنوان یک ضرورت و نیاز در ذهن جوان و نوجوان از جذابیت و باور کافی و لازم برخوردار باشد. مراجعه به دین فقط بر حسب عرف اجتماعی یا عادت خانوادگی یا حفظ ارزش و میراث فرهنگی نیاکان نباشد.

بلکه در بین ضد ارزش‌های فرهنگی و سکولاریزم که امروزه از جذابیت کاذب برخوردار هستند دین مبین اسلام باید جایگاه اصلی خود را باز یابد. برای جوانان و نوجوانان کتب آموزش دینی با رعایت تسلسل منطقی تهیه شود؛ هم اکنون در سلسله آموزشهای دینی جای این مقوله کاملاً خالی است. نرم افزارهای آموزش دین را برای نوجوان و جوانان خود طوری طراحی کنیم که نه تنها در فضای جذابیت لاقیدی غوطه ور نشوند، بلکه در همان فضا و با اختیار، دین باور باشند و خود را عامل به احکام اسلام بدانند. این مهمترین رسالت حوزه‌های علمیه و متولیان دین و فرهنگ ما در عصر رو به جهانی شدن است.



✓ دین باوری

باید برای

سلامت زندگی و

سعادت بشر

بعنوان یک

ضرورت و نیاز در

ذهن جوان و

نوجوان از

جذابیت و باور

کافی و لازم

برخوردار باشد.

مراجعه به دین

فقط بر حسب

عرف اجتماعی یا

عادت خانوادگی

یا حفظ ارزش و

میراث فرهنگی

نیاکان نباشد.